

## امکان سنجی تحقق سوء نیت با حالت روانی علم در حقوق کیفری ایران

عبدالصمد حسانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۴

مصطفی فروتن<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

امیر ابروانیان<sup>۳</sup>

### چکیده

رویکرد حقوق کیفری ایران در مورد رکن روانی و تحقق سوء نیت در جرایم مقید به این صورت است که هرگاه فرد با علم به تحقق نتیجه رفتاری را مرتکب شود، وی نیز قاصد نتیجه محسوب می‌شود. این امر که در فقه امامیه در جنایات عمد و در حقوق کامن لا سابقه بیشتری دارد، قصد غیر مستقیم می‌باشد و در ماده ۱۴۴ ق.م.ا به عنوان یک قاعده عام در جرایم عمدی مقید وارد شده است که اگر فرد قصد مستقیم نتیجه نداشته باشد، لیکن علم به وقوع آن نتیجه داشته‌اش، بزه وی عمدی است. این امر در ماده ۲۹۰ ق.م.ا که در مقام بیان صورت‌های مختلف جنایت عمدی بوده است متبلور می‌شود. علم مرتکب به نتیجه مجرمانه در تحقق سوء نیت خاص به دو روش علم به وقوع نتیجه و علم به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه در حقوق کیفری ایران امکان پذیر می‌باشد. لذا بر این اساس در تحقیق حاضر به امکان سنجی تحقق سوء نیت با حالت روانی علم در حقوق ایران پرداخته شده است.

کلید واژه: سوء نیت، قصد نتیجه، علم به وقوع نتیجه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز - ایران - شیراز. phd.abolhasani@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) Forutanmostafa@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. a\_iravanian@sbu.ac.ir

هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد. ولی وجود قانون به تنهایی کافی نیست که کسی را در معرض مجازات قرار دهد، توجه و تحمیل مجازات به مرتکب جرم، از منظر حقوقی، آنگاه امکانپذیر است که شرایط و اوصاف خاصی برای او فراهم باشد؛ این موضوع، به آن معناست که برای ارتکاب جرم و تحقق مسئولیت کیفری، صرف وقوع رفتار مادی مجرمانه، کفایت نمی کند؛ بلکه، این رفتار باید ناشی از حالت نفسانی متعارف، آزاد و خودآگاه باشد. لذا مجموع دو عنصر قانونی و مادی کافی نیست که شخص مرتکب را در معرض مجازات قرار دهد بلکه شرط دیگری هم ضروری است و آن این که مرتکب با میل و اراده عمل ممنوعه را انجام داده باشد یا حداقل در ارتکاب آن مرتکب بی احتیاطی یا بی مبالاتی شده باشد این شرط سوم را دانشمندان عنصر روانی جرم نامیده اند.

البته ارتکاب عمل مجرمانه، به خودی خود دلیل وجود عنصر روانی نیست و در مواردی با وجود آنکه عمل مجرمانه ارتکاب می یابد، قانون مرتکب را به خاطر فقدان قصد جنایی یا مسئولیت کیفری قابل تعقیب نمی داند؛ زیرا هر انسانی نتایج و عواقب نامطلوب جرمی که از روی درک، اختیار، اراده و عمد مرتکب شده است را به دوش می کشد و از طرفی مرتکب تنها در صورتی از نظر کیفی مسئول قلمداد می شود که رضایت، توانایی و اهلیت درک اعمال و رفتار خود را داشته باشد و به عبارتی قادر به فهم ماهیت اعمال و اوضاع و احوال بوده، عواقب عمل خود را سنجیده و بارضایت عمل را انجام داده باشد.

سوء نیت خاص را می توان به تعلق مستقیم و قطعی اثرگذاری نفسانی مرتکب به نتیجه مجرمانه در جرایم مقید دانست که با حالت های گوناگونی بروز می نماید که کنجر به شکل گیری سوء نیت خاص می گردد. در این میان قصد نتیجه را می توان از حالت های روانی مرتبط با نتیجه مجرمانه قلمداد نمود که می تواند تشکیل دهنده سوء نیت خاص باشد. بر این اساس در این مقاله نگارنده درصدد مطالعه و بررسی امکان سنجی تحقق سوء نیت با حالت روانی علم در حقوق کیفری ایران قصد پاسخ به پرسش های از این قبیل است که معیار احراز اینکه شخص چه زمانی می داند یا علم دارد، نتیجه در اثر رفتار وی محقق می شود، چیست؟ و آیا علم به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه نوعی حالت روانی در ارتباط با وقوع نتیجه است یا معیاری است در راستای احراز قصد نتیجه؟

## ۲- قصد مجرمانه

برای تحقق عنصر روانی در جرایم عمدی باید قصد مجرمانه وجود داشته باشد. قصد مجرمانه در قانون تعریف نشده است بلکه قانونگذار غالبا با استفاده از عناوین گوناگونی در عبارات قانونی آن را مشخص و بیان نموده است. برخی از این عناوین عبارتند از: به قصد کشتن، به قصد سرقت، به قصد سوء خیانت، به قصد استفاده نامشروع، به قصد کمک به دشمن، به قصد برهم زدن امنیت، به قصد اضرار به غیر، به قصد متهم کردن غیر و به قصد اخفاء با نیت فساد عالما و عامدا، با علم و اطلاع و...

بسیاری از دانشمندان قصد مجرمانه را آگاهی و علم مرتکب به نقض قانون جزا دانسته اند. مثلا ویدال و مانیول می گویند: «عمد آن است که کسی خواسته و دانسته مرتکب عملی شود برخلاف قانون جزا (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹)

امیل گارسون آن را « معرفت فاعل جرم به نامشروع بودن عمل ارتكابی دانسته است. در جایی دیگر بیان شده است که فرد مجرم نیست مگر اینکه به عمد، آگاهانه، بی پروا و با تسامح عمل کرده باشد (امیل گارسون، ش ۷۷).

دکتر گلدوزیان قصد مجرمانه را اینگونه تعریف کرده است: "عمد عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانونگذار منع یا امر نموده است (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰)". دکتر اردبیلی عمد را متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه می داند. در ضمن لازم است بگوییم در جرایم عمدی، فعل و نتیجه آن هر دو مورد اراده و خ واست عامل است. در کنار قصد مجرمانه، خطای جزایی یا تقصیر جزایی هم وجود دارد که عبارت است از: هرگاه عامل فقط ارتکاب فعل را اراده نماید و نتایج حاصله از آن منظور نظر وی نباشد خطای جزایی مطرح است. مثلاً کسی که بی پروا در یک مکان درگیر می شود ممکن است فرد دیگری را در معرض مرگ قرار دهد.

در بررسی قصد مجرمانه همان طور که از تعاریف فوق بر می آید باید هم به فعل و هم به نتیجه مجرمانه توجه نمود.

### ۳- درجات قصد مجرمانه

قصد مجرمانه یا سوء نیت که در معنی عام آن، عمد در ارتکاب جرم می باشد دارای درجاتی است:

#### ۳-۱- سوء نیت عام و سوء نیت خاص

سوء نیت عام به معنای عزم ارتکاب فعلی است که قانونگذار آن را منع نموده است. گاهی داشتن سوء نیت عام برای جرم انگاری عمل کافی نیست و قانونگذار وجود جرم را منوط به داشتن قصد مشخص و صریحی کرده است که فاعل برای تحقق آن کوشیده است برای مثال در جرم قتل صرف ایذاء و آزار عمدی مجنی علیه کفایت نمی کند بلکه فاعل باید در تحصیل نتیجه خلاف قانون یعنی کشتن او نیز عامد باشد تا بتوان فعل ارتکابی را قتل عمد شناخت در حالیکه در جرم ایراد ضرب و جرح وجود سوء نیت عام در فعل زدن کافی است و لازم نیست مرتکب قصد صدمه زدن داشته باشد تا ضارب شناخته شود (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۲).

#### ۳-۲- سوء نیت ساده و سوء نیت با سبق تصمیم

سوء نیت ساده در مواردی است که ارتکاب جرم مسبوق به تفکر و طرح نقشه قبلی نباشد. چنین سوء نیتی موجب مجازات معمولی است در مقابل ممکن است ارتکاب جرم مسبوق به تفکر و طرح نقشه قبلی باشد. در بعضی از نظام های جزایی سوء نیتی که توأم با اندیشه قبلی باشد باعث تحمل مجازات شدیدتری می گردد. اما در ق.م.ا مقررات صریحی در این زمینه پیش بینی نشده است.

#### ۳-۳- سوء نیت معین و سوء نیت نامعین

چنانچه مرتکب جرم عمدی قبلاً عواقب و نتیجه خاص و معین حاصل از عمل خود را پیش بینی و مورد توجه قرار داده باشد و با اراده و اختیار و در نظر گرفتن آن نتیجه خاص، عملیات اجرایی جرم را به انجام برساند، قصد مجرمانه او را سوء نیت معین می نامند. مثل هدف قراردادن شخص الف و کشتن او توسط تفنگ. اما گاهی با اینکه مرتکب جرم عمدی قصد ارتکاب جرم را دارد ولی نتیجه خاص و معین حاصل از جرم، برای او قابل پیش بینی نیست و از

نظر او مجهول است مثل سارقین مسلحی که برای فرار از دست پلیس به طرف هرکسی تیراندازی می کنند (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶)

### ۳-۴- سوءنیت جازم و سوءنیت احتمالی

در سوءنیت جازم مرتکب عمل مجرمانه به طور قطع خواستار نتیجه عمل مجرمانه است مانند کسی که به قصد قتل به دیگری تیراندازی کرده و او را می کشد. در صورتی که مجرم قصد ارتکاب عمل را داشته باشد، نتیجه عملخ ویش را نیز پیش بینی کند ولی خواستار حصول نتیجه نباشد، میگوییم سوءنیت او احتمالی است مانند مالک قایق موتوری که با اطلاع از عیب قایق خود و احتمال اینکه ممکن است در آب از کار بیافتد اقدام به سوار کردن مسافر کرده و منجر به غرق شدن ایشان می گردد (صانعی، ص ۳۲۰)

### ۳-۵- خطای کیفری

هرگاه عامل فقط ارتکاب فعل را اراده کرده و نتایج حاصل از آن مورد نظر وی نباشد، خطای جزایی مطرح است. در این گونه جرایم چون مرتکب نتیجه را پیش بینی نکرده است از این جهت خطاکار محسوب و مستوجب کیفر است.

### ۴- معیار احراز

نکته مهم این است که نظام کیفری ایران تعبیر علم به وقوع نتیجه را هم از سیستم کامن لا و هم از منابع فقهی گرفته ولی برای احراز آن معیاری را ارائه نکرده است.

۱- معیار انتخاب: خواستن یک نتیجه به معنای انتخاب است به این معنا که هر آنچه مرتکب یک رفتار به عنوان پیامد برای فعل یا ترک خود انتخاب نماید مورد درخواست وی بوده است لذا در فرضی که فردی به چرخ ماشین دیگری که با سرعت زیاد در حال رانندگی است شلیک می کند به این امید که ماشین وی را واژگون کرده و موجب مرگ وی گردد تمامی نتایج واقع شده در آن حادثه را قصد کرده است و تمامی آنها را باید مقصود مرتکب دانست.

لذا به عنوان یک قاعده می توان گفت هر آنچه که مورد انتخاب قرار گیرد قصد شده است فارغ از آنکه انتخاب مزبور هدف نهایی و غایی مرتکب و یا اهداف ابتدایی و واسطه ای او باشد. به بیان دیگر همین که مرتکب ایجاد نتیجه ای را بخواهد و حصول آن را خواستار شود آن را قصد کرده است هر چند که نتیجه نهایی مورد نظر وی نبوده است.

در حقوق انگلیس و در دعوای هیام نیز که مرتکب خانه را به قصد ترساندن قربانی آتش زده بود برخی از حقوقدانان معتقدند که مرتکب هم آتش زدن و هم ترساندن قربانی را قصد کرده است.

در حقوق انگلستان دعوایی وجود دارد که نادیده انگاشتن این امر و احتساب صرف اهداف نهایی و انگیزه غایی مرتکب به عنوان نتیجه مجرمانه مشاهده می گردد در این پرونده مرتکب در خلال جنگ جهانی دوم اقدام به پخش برنامه و تبلیغات از رادیوی آلمان می کرد پس از جنگ به بابت متهم شده و در دادگاه بدوی محکوم شد. دادگاه تجدید نظر محکومیت او را با این استدلال که او قصد نجات همسر و فرزندانش را داشته است نقض نمود. این رای

از نظر علمی مردود است تمامی انتخاب های متهم را باید نتایج مورد قصد او دانست. در این پرونده مرتکب هم کمک به دشمن و هم نجات خانواده اش را قصد کرده است.

به عنوان نتیجه از این قسمت می توان گفت که آنچه را که مرتکب انتخاب نماید مورد قصد او واقع شده است خواه به تحقق آن مشتاق بوده خواه نباشد و خواه انتخاب مزبور هدف منحصر مرتکب بوده و یا اینکه اهداف متعددی داشته است. انتخاب یک نتیجه را می توان بارزترین نمود پذیرش آن دانست.

۲- معیار ناکامی: انتونی داف حقوقدان برجسته انگلیسی با ذکر مثال روشی را برای سنجش تحقق نیت مجرمانه در حالت خواست تحقق نیت مجرمانه بیان کرده است:

فرض کنید مرتکب با علم به اینکه فردی در این نزدیکی است گلوله ای شلیک می کند آیا او قصد قتل این فرد را داشته است؟ داف ادامه می دهد که اگر مرتکب در پی مرگ آن فرد باشد ما می توانیم بگوییم که او مرتکب شروع به قتل عمدی شده است. داف استدلال می کند که متهمی که شروع به کشتن می کند اگر فرد نمیرد خود را ناکام می یابد (antony duff, pp8-127).

با اعمال همین ضابطه داف در مورد پرونده هیام چنین می گوید: خانم هیام قصد آتش زدن خانه خانم بوث را داشته است اگر خانه آتش نمی گرفت فعل او ناموفق بود او با این کار قصد ترساندن خانم بوث را داشته است. از آن جایی که فعل او خانم بوث را ترسانده است فعل او ناکام مانده است اما او قصد کشتن یا صدمه زدن را نداشته است هر چند او مرگ یا صدمه را به عنوان یک اثر محتمل رفتار خود پیش بینی کرده باشد. مرگ یا صدمه اثر جانبی قابل پیش بینی رفتار هستند، نه آثار قصد شده رفتار (antony duff, p 61).

با این حال دقت در معیار ناکامی نشان می دهد که این معیار نه یک معیار ماهوی و بلکه معیاری اثباتی و شکلی است. به عبارت دیگر، برخلاف معیار انتخاب که به کمک آن می توان ماهیت نیت مجرمانه از طریق قصد را مشخص نمود، در معیار ناکامی هیچ ضابطه ای برای تعیین نیت مجرمانه وجود ندارد و معیار مزبور تنها می تواند نشانگر این مطلب باشد که مرتکب در لحظه ارتکاب رفتار، خواهان تحقق نتیجه بوده است و یا خیر. به عبارت دیگر معیار انتخاب ناظر به ماهیت و ذات نیت مجرمانه در حالت قصد نتیجه است، برخلاف معیار ناکامی که تنها روشی است که به کمک آن می توان نیت مرتکب را اثبات نمود. لذا معیار ناکامی معیاری در عرض معیار انتخاب نیست و تنها معیار تعیین نیت مجرمانه بر اساس قصد معیار انتخاب است.

ارائه معیار احراز علم به وقوع نتیجه نیازمند تبیین چهار امر؛ انواع فعل ارتكابی، صورت های مختلف قصد، علم به نوعاً موجب جنایت بودن در رفتار، چگونگی اعلام به وقوع نتیجه و قصد جنایت، است

#### ۴-۱- انواع فعل ارتكابی

الف) فعل مادی: فعلی است که به شکل ذاتاً محسوس ارتكاب یابد، صرف نظر از اینکه به جسم قربانی برخورد کرده، صدمه مادی یا معنوی وارد آورد. تیراندازی، چاقو زدن، داد زدن، خفه کردن در آب، با پوشش ترسناک بر یک بچه ظاهر شدن و مانند آن، همگی در این تعریف جای می گیرند، زیرا همه آنها محسوس هستند. ولی تمام

افعال مادی به یک صورت منجر به مرگ نمی شوند. برخی از آنها به جسم مجنی علیه اصابت کرده، مستقیماً موجب بروز آسیب فیزیکی می شوند و برخی دیگر بدون برخورد با جسم و به صورت غیر مستقیم مرگ را به دنبال دارند که به همین اعتبار فعل مادی را می توان به اصابتی و غیر اصابتی تقسیم نمود.

ب) فعل غیر مادی (معنوی): فعل معنوی فعلی است که مادی و محسوس نبوده، ادعای تاثیر آن به صورت ماورای ماده و حس مطرح شود. بدیهی است چنین فعلی جایگاهی در حقوق کیفری ندارد، زیرا در حقوق کیفری فعل ارتكابی در قتل عمد باید محسوس و قابل استناد باشد، درحالی که وجود و واقعیت این نوع فعل و به طریق اولی صلاحیت آن برای تحقق به مرگ اثبات نشده است سحر و جادو و مانند آن به عنوان مصادیق غیرمادی قابل سنجش و ارزیابی نیستند و بدیهی است رابطه آنها با مرگ نیز به لحاظ فنی قابل احراز نیست در حقیقت فعل معنوی اعمالی است که بدون ظهور و بروز خارجی ادعا می شود با تصرف در علل و عوامل طبیعی موجب تاثیرگذاری بر مجنی علیه و تحقق قتل می شود مراد از بدون بروز و ظهور خارجی بودن فعل معنوی، معنوی بودن ذات رفتار و به تبع آن طریقه ارتكاب و تاثیر آن بر مجنی علیه است (محمدخانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱) در هر حال فعل قاتل به نحو مباشرت یا تسبیب باید علت قتل باشد و کارهایی همچون جادو و ایجاد ناراحتی روانی عنصر ماده قطعه محسوب نمی شود.

#### ۴-۲- صورت های مختلف قصد

در حقوق کیفری نوین این اصل نهادینه شده است که عنصر مادی جرم تا زمانی که عنصر روانی همراهان نباشد موجب مسئولیت نمی شود. توجه به وضعیت روانی مرتکب از دو بعد صورت می گیرد، نخست از حیث وجود یا نبود قصد و دوم از جهت جهل و علم (رستمی غازانی، ۱۴۰۰، ص ۹۴).

پس برای تحقق جرم، وجود قصد ارتكاب ضرورت دارد، ولی ماهیت این قصد در کلیه جرایم یکسان نیست. گاه شخص می خواهد جرمی را مرتکب شود و ضمناً تحقق نتایج عمل خود را نیز خواستار می گردد. اما در بعضی موارد مرتکب جرم ادعا می کند عمل خود را با اراده انجام داده، ولی نتیجه حاصله را نمی خواسته، و گاهی حتی این نتیجه را هم پیش بینی نمی کرده است (صانعی، ص ۳۰۸).

- قصد مستقیم: هرگاه مرتکب قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد، صرف نظر از اینکه عمل او نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن بوده است یا خیر، دارای قصد مستقیم جنایت فرض خواهد شد. (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۲). قصد مستقیم جنایت یا ایراد صدمات جسمانی در بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا بیان شده است.

- قصد تبعی که به دو قسمت قصد تبعی مطلق که در آن مستنبط از کشنده یا مجروح کننده بودن مطلق رفتار، و آگاهی و توجه مرتکب به اینکه آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود. و در قصد تبعی نسبی، مستنبط از شرایط مجنی علیه یا شرایط زمانی و مکانی و علم مرتکب به این شرط است.

#### ۳-۴- علم به نوعاً موجب جنایت بودن

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی علم به وقوع نتیجه و کشنده بودن رفتار را در امری بودن جنایت آنگاه که مرتکب مدعی بوده، قصد جنایت نداشته باشد، لازم دانسته است و لذا دادگاه می تواند بدون احراز چنین عملی حکم تحقق قتل عمدی بدهند.

جرم و جنایت فقط عنصر مادی ندارد بلکه باید عنصر معنوی آن نیز محرز گردد تا متهم مستحق مجازات دانسته شود، چون اصل عدم استحقاق مجازات است. پس تا هر دو عنصر مادی و معنوی جرم احراز نگردد هنوز متهم مستحق مجازات دانسته نشده، باید بر براءت او حکم نمود. اما مراد از عنصر معنوی جنایت چیست؟ توضیح آنکه عنصر معنوی جرم همان قصد محقق ساختن چیزی است که قانونگذار محقق ساختنش را جرم دانسته و اعلام کرده است. قصد نیز فعل نفس است پس علم را نمی توان جزئی از اجزای عنصر معنوی دانست. قصد خواستن است و علم دانستن.

باید احراز شود که فعل یا ترک فعلی که به جنایت انجامیده، با قصد حصول آن جنایت همراه بوده است. اما قصد امری درونی است و قاضی راهی بی واسطه برای احراز آن ندارد. پس باید با وسایلی وجود آن را احراز کند. فعل یا ترک فعلی که نوعاً به جنایت می انجامد و مرتکب با علم و توجه به آن فعل یا ترک فعل آنها را صورت می دهد، کاشف از آن است که وی خواستار آن جنایت بوده است. پس در اینجا قاضی قصد داشتن متهم را احراز می کند نه اینکه با وجود قصد نداشتن او، فعل یا ترک فعل او را عمدی محسوب می کند.

#### ۴-۴- علم به وقوع نتیجه

علم به وقوع نتیجه یا قصد غیر مستقیم، هر چند در فقه اسلامی در حوزه قتل عمد و در حقوق بین المللی پیشینه ای قدیمی دارد، اما اصطلاحی است که با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به زمینه حقوق کیفری ایران وارد شد (زهروی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵).

در قوانین کیفری پیشین (۱۳۰۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۱، ۱۳۷۰) که به گزاره های عمومی بزه ها و کیفرها پرداخته بودند، عنصر روانی جرایم مقید به روشنی پیش بینی نشده بود، ولی بخاطر پیوستگی رکن مادی و رکن روانی، دیدگاه و رویه بر تبر بر این بود که رکن روانی بزه های مقید برگرفته از قصد رفتار، علم به موضوع و قصد نتیجه است. بر این اساس، هرگاه شخصی قصد حصول نتیجه را در جرایم عمدی مقید نداشت، ولی نتیجه حاصل می شد، بزه در شمار جرایم عمدی قرار نمی گرفت. با وجد این، با تصویب ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ این موضوع تغییر یافت. بر طبق این ماده «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود». طبق این ماده، جرایم عمدی مقید نه تنها با قصد مستقیم نتیجه تحقق پذیر است، بلکه در حالتی که فرد ادعا نماید (قصد مستقیم بر تحقق نتیجه نداشته باشد، لیکن علم به وقوع آن داشته باشد، بزه وی عمدی است. این ماده در بیان دو مطلب است:

قسمت نخست ماده، راجه به جرایم مطلق است؛ یعنی در جرایم مطلق برای عمدی محسوب نمودن بزه ارتكابی، احراز علم به موضوع جرم و قصد ارتكاب رفتار مجرمانه كفايت می كند.

قسمت دوم ماده در مورد جرایم مقید است و بر اساس آن جهت تحقق عمدی بودن جرم، علاوه بر شرایط ابتدای ماده، وجود قصد نتیجه یا علم به وقوع آن هم ضرورت دارد.

مقنن ایران از قصد غیر مستقیم یا علم جانشین قصد، تعریفی ارائه نکرده است. این گونه خاص از قصد در معنای واقعی، قصد یا همان خواستن نیست. (سرخوش، حطمی، ۱۴۰۰، ص ۶۳)

#### ۴-۵- علم به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه

سوء نیت خاص هدف و منظور مرتکب از انجام رفتار مجرمانه است و مرتکب به منظور رسیدن به این هدف مبادرت به ارتكاب فعل یا ترك فعل مخالف قانون می نماید. لذا آنچه مورد درخواست مرتکب از رفتار خویش است همین رسیدن به نتیجه مجرمانه است. برای مثال سوء نیت خاص در قتل عمدی قصد کشتن یک انسان زنده است و در غالب موارد نیز قاتل عمدی کسی است که با همین هدف و در راستای رسیدن به همین نتیجه مرتکب رفتار مجرمانه می شود اما می توان فرض نمود که مرتکب با هدف تخریب تاسیسات یک بیمارستان مبادرت به بمب گذاری می کند و البته بداند که در آن مکان افرادی حضور دارند و انفجار بمب عملاً به مرگ آنها منجر شود. با اینکه هدف بمب گذار کشتن انسان ها نیست اما با توجه به تجارب عملی خوب می داند که رفتار او مرگ آنها را در پی خواهد داشت.

به عنوان نمونه یک مورد که توسط حقوقدانان انگلیسی بیان شده است در 7 جولای سال 2005 چهار نفر عامل انتحاری به وسیله بمب گذاری 3 قطار زیر زمینی و اتوبوس را در لندن منفجر کرده و موجب کشته شدن 56 نفر و از جمله خود شدند. در 21 جولای سری دوم حملات مشابه ناموفق ماند و 4 نفر دستگیر شدند بر فرض که مرتکبین تنها خواستار انجام یک اعلام موجودیت سیاسی مذهبی بوده و البته بر مبنای اتفاق قبلی می دانستند که انفجار بمب ها لاجرم منجر به کشته شدن مسافران قطار و اتوبوس خواهد شد آیا می توان گفت بمب گذاران قصد تحقق مرگ به صورت عمدی را داشته اند؟

با دقت در نظریات حقوقی می توان به نقش دوگانه علم اشاره کرد که گاه تنها نقشی اثباتی و شکلی به خود می گیرد که استنباط می شود مرتکب خواهان تحقق نتیجه بوده و به عبارت دیگر قصد تحقق نتیجه را داشته است و گاه علم نقش ثبوتی و ماهوی داشته و با احراز آن حکم به تحقق نیت مجرمانه داده خواهد شد هر چند مرتکب قصد تحقق نتیجه را نداشته باشد (dine, gobert, Wilson, p129-130)

اولین نقدی که می توان برای علم به تحقق نتیجه قایل شد احراز و اثبات قصد مجرمانه است به این معنا که اگر مرتکب در حین انجام یک رفتار آگاه باشد که نتیجه مجرمانه ای از رفتار او حاصل می گردد می توان فرض نمود که خواستار تحقق آن نتیجه است. برای مثال اگر فردی به سمت قلب دیگری شلیک کند فرض بر این است که قصد کشتن او را داشته است. در این حالت علم مرتکب از رفتار او قابل استنباط است.



با استفاده از همین مطلب برخی حقوق دانان انگلیسی بیان کرده اند که اگر مرتکب قربانی را از فراز یک تخته سنگ 50 متری به پایین پرتاب نماید و سپس مدعی شود قصد کشتن قربانی را نداشته و تنها می خواسته او را بترساند می توان گفت نتیجه اجتناب ناپذیر چنین رفتاری حداقل صدمه شدید است و هیات منصفه حق دارد استنباط نماید که مرتکب یک فرد با عقل و خرد معمولی است در صورت فقدان هر دلیل قابل قبول چنین امری را پیش بینی کرده است.

همین موضع در پرونده ندری نیز پذیرفته شد در این پرونده متهم مقداری پارافین داخل جعبه پستی یک خانه ریخته و بدون هشدار دادن آن را آتش زد و در نتیجه آن یک پسر بچه 12 ساله فوت نمود. متهم ادعا می کرده نمی خواسته کسی کشته شود بلکه تنها قصد ترساندن داشته. هر چند در نهایت متهم به ارتکاب قتل غیر عمدی محکوم شد اما دادگاه حکم داد که زمانیکه فردی تشخیص دهد که وقوع نتیجه بر رفتار او عملاً اجتناب ناپذیر است این استنباط می تواند غیر قابل اجتناب باشد که او آن نتیجه را قصد کرده است.

در موارد مزبور نقش آگاهی از تحقق نتیجه نقشی اثباتی و در راستای احراز قصد مجرمانه است. بدین معنا که علم نمی تواند قصد محسوب گردد.

#### ۵- شرایط تحقق سوء نیت با وضعیت ذهنی علم

اراده جزئی از نیت مجرمانه و عنصر روانی جرایم عمدی را تشکیل می دهد. اما سوالی که در اینجا مطرح می شود آن است که آیا صرف وجود اراده رفتار برای تحقق نیت مجرمانه کفایت می کند؟ در پاسخ به این پرسش باید بیان نمود که عده ای از حقوق دانان، جهت تشکیل نیت مجرمانه صرف وجود اراده و اینکه رفتار ارتكابی نتیجه خواست مرتکب باشد را کافی نمی دانند و اعتقاد دارند که اراده را باید برابند علم و اراده و اختیار دانست

علم و آگاهی مجرم نسبت به واقعه مجرمانه در تبیین نیت مجرمانه موثر است. زمانی که مرتکب نسبت به امری دارای آگاهی می باشد و یا زمانی که مرتکب عمداً چشمان خود را بر آگاهی می بندد (-dine, gobert 1997, p139) (140) از نظر حقوقی موارد مربوط به نادیده گرفتن عمدی علم واقعی محسوب می گردد که در برخی از دعاوی انگلیسی هم مورد پذیرش واقع شده است. در یکی از این دعاوی مجلس اعیان حکم داد که دادگاه می تواند علم متهم را احراز کند" در صورتی که او عمداً چشمان خود را بر بدیهیات بسته باشد یا از تحقیق بیشتر امتناع نماید زیرا او نسبت به حقیقت شک داشته است امان خواسته است که تردید وی تایید گردد.

همانطور که ملاحظه می گردد تحقق عنصر روانی جرایم عمدی منوط به علم مرتکب به موضوع جرم شده است.

#### ۵-۱- تلفیق قصد و علم در تشکیل نیت مجرمانه

هر چند همانطور که بیان شد، اراده رفتار در صورت تلاقی با علم یا قصد موجب تحقق نیت مجرمانه می شود، با ایرن حال باید توجه داشت که مطلب مزبور به این معنا نیست که در حالت تحقق نیت مجرمانه با علم، تمامی اجزا عنصر مادی با همین حالت در ذهن مرتکب نقش می بندد و یا در حالت تحقق آن با قصد نیز نیت مجرمانه تنها به صرف خواستن و بدون علم محقق می شود.

زیرا هر چند از لحاظ نظری تحقق نیت مجرمانه در هر کدام از حالات علم و قصد به صورت جداگانه و بدون نیاز به دیگری قابل تصور است اما در علم تلفیقی از علم و قصد به ضمیمه اراده نیت مجرمانه را محقق می‌سازد.

برای مثال در جرم قتل عمدی می‌توان تصور نمود که مرتکب علم به انسان زنده داشته باشد و در عین حال قصد کشتن او را بنماید که نیت مجرمانه در اینجا، تلفیقی از علم و قصد است، یا در جرم خیانت در امانت، مرتکب با علم به امانی بودن مال در پی ضرر رساندن به مال باشد که در این حالت نیز مرتکب نسبت به موضوع جرم، علم، و نسبت به نتیجه، قصد دارد. البته از نظر عملی و با مشاهده جرایم مختلف می‌توان قائل به این مطلب شد که در بیشتر موارد نیت مجرمانه نسبت به رفتار و نتیجه با قصد و نسبت به موضوع جرم و شرایط تحقق آن با علم واقع می‌شود، هر چند در مواردی نیز تلفیقی دیگر از علم و قصد نیت جزایری را محقق می‌سازد.

نکته دیگر آنکه منطبق شدن و تحقق همزمان علم و قصد نسبت به برخی از اجزا جرم قابل تصور و در بسیاری از موارد عملاً محقق است. مانند آنکه مرتکب هم قصد تحقق پدیده مجرمانه را داشته باشد و هم بداند که رفتار او منجر به آن خواهد شد. مانند آنکه نسبت به موضوع جرم با علم به وجود یک انسان زنده، قصد ارتکاب رفتار بر او را داشته باشد. یا در مورد نتیجه هدف او مرگ بزه دیده باشد و همزمان بداند که رفتار او مرگ را نیز به دنبال خواهد داشت.

#### ۵-۲- جایگزینی علم با قصد در تشکیل نیت مجرمانه

نکته ظریفی که باید به آن توجه نمود در مورد جایگزینی علم با قصد است. هر چند در حقوق ایران و کشورهایمانند انگلستان بحث جایگزینی قصد و علم را در بحث سوء نیت خاص و بحث نتیجه مطرح نموده‌اند، اما این امر منحصر در قصد نتیجه نبوده و باقی حالات نیت مجرمانه را نیز شامل می‌شود. لذا همانطور که علم و قصد می‌توانند جایگزین هم در تحقق سوء نیت خاص باشند، در قصد رفتار و قصد موضوع نیز همین حکم جاری خواهد بود. در نتیجه چه فردی عالم باشد برا چکاندن ماشه تیر از آن خارج می‌شود و چه آنکه بدون آگاهی بر این امر و به قصد تیر اندازی ماشه را بچکاند، هر دو عامل در فعل خود محسوب می‌گردند. هم چنین در مورد موضوع جرم که حقوقدانان عموماً علم به وجود آن را در تحقق نیت مجرمانه لازم می‌دانند (پور بافرانی، ۱۳۸۸، ص ۷۳) می‌توان تصور نمود که قصد جایگزین علم گردد. مانند آنکه هر چند در جرم قتل عمدی لازم است که مرتکب با آگاهی از وجود یک انسان زنده رفتار خود را بر او وارد نماید می‌توان تصور نمود که مرتکب بدون علم به این مطلب قصد آن را بنماید.

یکی دیگر از موارد در مورد معاونت در جرم است. سوال اینجاست که اگر فردی بدون آنکه قصد کمک به مباشر را داشته باشد بداند که رفتار او عملاً به ارتکاب جرم توسط مباشر کمک خواهد کرد آیا معاونت محقق شده است؟ برای مثال ساعت سازی که با آگاهی از اینکه افرادی که به او سفارش ساعت داده‌اند آن را در یک بمب گذاری استفاده خواهند کرد در مثال مزبور هر چند فروشنده ساعت در پی بمب گذاری یا کشتن دیگران نیست اما می‌داند که رفتارش در ارتکاب جرم مزبور کمک خواهد کرد و با توجه به تشکیل نیت مجرمانه با علم واراده در این حالت نیز نیت مجرمانه مرتکبین کامل بوده و معاونت محقق شده است.

در حقوق انگلستان نمونه ای عینی از این مورد به چشم می خورد. در این دعوا یک پزشک که وسایل ضد بارداری برای یک دختر زیر 16 سال تجویز کرده بود، به معاونت در رابطه جنسی غیرقانونی متهم شد. حکم داده شد که تصمیم بالینی پزشک موجب سلب کامل عنصر روانی که رکن تشکیل دهنده جرم است، شده است. این رای به درستی مورد انتقاد برخی از حقوقدانان آن کشور قرار گرفته است که انگیزه و هدف پزشک هر چه که باشد، اگر او بداند که رفتارش موجب ترغیب، تشویق، یا تسهیل رابطه جنسی غیر قانونی می گردد او به روشنی قصد معاونت در آن جرم را کرده است (محمدخانی، ۱۳۹۵، ص ۸۷).

### نتیجه گیری

عنصر معنوی یا روانی یکی از عناصر تشکیل دهنده جنایات عمدی به شمار می رود. با دقت به فروض گوناگون ماده ۲۹۰ ق.م.ا. رویکرد کیفری حال حاضر که در ماده ۱۴۴ همان قانون (به عنوان یک قاعده عام در جرایم مقید) وارد شده است، احراز جنایت عمدی بر اساس علم به وقوع نتیجه گاهی پیچیده به نظر می رسد. این پیچیدگی زمانی آشکارتر می شود که قاضی باید با رعایت قواعدی نظیر «لا یبطل دم امرء مسلم»، «اصل عدم استحقاق مجازات» و «تدرء الحدود بالشبهات»، حکمی را بر اساس علم به وقوع نتیجه انشا نماید. استناد به موضوعی که معیار احراز آن از سوی قانونگذار بیان نشده است. گزینش معیار جهت قصد غیر مستقیم در نظام کیفری ایران، چالشی است مبتنی بر مراجعه به عرف یا اتکای قضایی به قانون.

بنابراین در جهت تحقق دادرسی عادلانه و اجرای عدالت در نظام حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی باید معیاری معرفی شود که ضمن یقین آور بودن، با عرف و مبانی جزایی اسلام نیز سازگاری داشته باشد. لذا به نظر می رسد معیار «ملازمه بین بالمعنی الاخص رفتار ارتكابی با نتیجه» پاسخگوی سوال تحقیق باشد. بنابراین در صورتی که ملازمه رفتار ارتكابی با نتیجه آن به منزله ملازمه بین بالمعنی الاخص باشد، نه تنها می توان به این که مرتکب به وقوع نتیجه علم داشته است، حکم نمود، بلکه به اینکه خواستار تحقق آن نیز بوده است باید حکم کرد. ولی اگر ملازمه بین با معنای اعم باشد یا ملازمه غیر بین باشد، نمی توان به عالم بودن مرتکب به وقوع نتیجه و قاصد بودن وی به جنایت حکم نمود.

در حال حاضر علم به وقوع نتیجه نوعی حالت روانی به شمار می رود که می تواند مستقل از قصد نتیجه با ایجاد رابطه مستقیم بین تأثیرات روانی مرتکب و نتیجه مجرمانه منجر به تحقق سوءنیت خاص گردد. در خصوص علم به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه هم می تواند به گونه ای از علم در بعضی از جرایم از جمله افساد فی الارض و اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءنیت خاص را تشکیل می دهد. در مجموع با دقت به موارد مطرح شده می توان بیان نمود که در قوانین کیفری ایران امکان تحقق سوء نیت با حالت روانی علم قابل تصور می باشد.

## منابع

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی ۱، نشر میزان، چاپ ۳۱.
- امیل گارسون، شرح قانون مجازات عمومی، ماده اول، شماره ۷۷
- پور بافرانی، حسن، ۱۳۸۸، جرایم علیه اشخاص، صدمات جسمانی، انتشارات جنگل.
- رستمی غازانی، امید، ۱۴۰۰، عنصر روانی به قاچاق کالا و ارز، فصلنامه مطالعات حقوقی معاصر، سال دوازدهم شماره ۲۲.
- زهروی، رضا، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی فردی کردن ادله در سیاست جنایی اسلام، ایران و فرانسه، حقوق اسلامی، سال ۱۳.
- سرخوش، جواد، حطمی، ایمان، ۱۴۰۰، معیار احراز علم به وقوع نتیجه در قتل عمد، نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، سال دوازدهم، شماره ۲۵.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات گنج دانش،
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۴، بایسته های حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ ۴.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۵، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.
- محمدخانی، عباس، ۱۳۹۵، عنصر روانی جرم، نشر میزان، جلد اول.
- محمدخانی، عباس، ۱۳۹۴، تاملی نو بر تعریف فعل مادی و غیر مادی در قتل عمدی، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم شماره ۱۳.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، جواهر الکلام، ج ۱، انتشارات خرسندی.
- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۸، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر جنگل
- Antony Duff ,2001.answering for crime .Responsibility and Liability in criminal law .Oxford and Portland .Oregon .Hart Publishing.
- Dine , gobert , 1997,Wilson ,text book on criminal law , p139-140